

## نگاهی به شاهنامه با رویکرد جهان وطنی

نزهت نوحی<sup>۱</sup>



تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۲۸

### چکیده

مقاله حاضر در نگاهی به شاهنامه با رویکرد «جهان وطنی ادبی» به بررسی ویژگی‌های این اثر سترگ و همخوانی آن با معیارهای جهان وطنانه ادبیات امروز دنیا می‌پردازد. بسیاری از نظریات جدید ملهم از تفکرات گذشته‌اند لذا «جهان وطنی ادبی» در سیر تکوینی خود ما را به دو تئوری متقدم یعنی «ادبیات جهان» و «ادبیات تطبیقی» رهنمون می‌سازد. که به مقتضای کنونی و شرایط خاص پیش روی ادبیات در عرصه «دهکده جهانی» به شکلی نوین باز مفهوم سازی و منجر به پدیده نوین «جهان وطنی ادبی» شده‌اند. آزمون نو برای آثار فاخر ادبیات همچون شاهنامه که بار دیگر جایگاه خود را در شاکله اساسی ادبیات جهان محکم سازند. شاهنامه حائز این توانایی است تا جایگاه خود را در معیت شاهکارهای ماندگار ادبیات جهان حفظ کرده و در عرصه «دهکده جهانی» متناسب با معاییر جهان وطنی ادبی، مخاطبان را هوشمندانه به خویش خواند.

**کلید واژه:** ادبیات تطبیقی، ادبیات جهان، جهان وطنی ادبی، دهکده جهانی، شاهنامه فردوسی.





علی‌رغم تفاوت نظریه و روش‌های هر خواننده برای دستیابی به تفسیر متن با نظریه و روش سایر خوانندگان، دیر یا زود مجموعه‌ای از عقاید مشابه منتقدان حامی خود را می‌یابد که گرد هم می‌آیند و مکاتب نقد ادبی را مبتنی بر یک تئوری ادبی بنیان می‌نهند. بدینسان پیوسته دیدگاه‌های جدیدی درباره‌ی آثار ادبی شکل می‌گیرد بنابراین مکاتب ادبی نقد و نظریه‌ی جدید شکل می‌گیرند. (همان: ۳۸)

فهرست نام برخی نظریه‌های ادبی همچون فرمالیسم و نقد مبتنی بر واکنش خواننده، تئوری نقد مارکسیستی، ساختارگرایی، و اسازی<sup>۱</sup>، تاریخ‌گرایی نوین<sup>۲</sup>، ماتریالیسم فرهنگی، نقد پسااستعماری، نقد قومی نژادی<sup>۳</sup>، ادبیات جهان، ادبیات تطبیقی و جهان وطنی ادبی در صحت مدعا کافیت.

## ۲. ضرورت گرایش به نظریه ادبی

نظریه‌های گوناگون ادبی و مکاتب گوناگون نقد مبتنی بر آنها، پرسش‌های متفاوتی در خصوص اثر ادبی مطرح می‌کنند، بنابراین مکاتب نظری مجموعه‌ای از گزینه‌های بی‌پایان در اختیار خوانندگان می‌گذارند و ایشان می‌توانند از این میان، برای افزایش درک خود از متن و نیز جامعه، فرهنگ و ویژگی‌های انسانی خویش دست به انتخاب بزنند، از این رو قائل شدن به نظریه‌ی ادبی یا دست کم آشنایی با آن ما را در شناخت بهتر ادبیات و مهمتر از آن برتافتن نظرات و عقاید دیگران یاری می‌دهد. (همان: ۳۸)

ناظر به این امر در ادامه‌ی بحث به طرح یکی از تئوری‌های نوین ادبی موسوم به «جهان وطنی ادبی» خواهیم پرداخت.

1 - deconstruction

2 - new historicism

3 - Ethnic

### ۳. نگاهی به پدیده‌ی «جهان وطنی»<sup>۱</sup>

در ۱۹۶۴ مک لوهان ایده‌ی «دهکده‌ی جهانی»<sup>۲</sup> را ارائه کرد، اما خیلی سریع‌تر از پیش بینی او این پدیده رخ نمود و آهنگ سریع رشد رسانه‌های الکترونیک و وسایل ارتباط جمعی به سرعت شیوه‌های زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده، متحول نمود و به گونه‌ای جهان کنونی را به یک دهکده کوچک تبدیل کرد.

هربرت مارشال مک لوهان (۱۹۸۰ - ۱۹۱۱) جامعه‌شناس کانادایی و نظریه پرداز رسانه‌ها بود که عصر حاضر را «عصر رسانه‌ها» نامید و به دنبال آن اصطلاح «دهکده‌ی جهانی» را ابداع کرد. از دیدگاه مک لوهان دنیای امروز یک دنیای الکترونیک است و رسانه‌های الکترونیک با گسترش خود فاصله‌های زمانی و مکانی موجود میان انسان‌ها را از بین برده‌اند. وی معتقد است در این دهکده‌ی کوچک، افکار و اعمال جوامع از یک دیگر پنهان نیستند و در عین حال تاریخ شاهد ظهور یک نوع فردگرایی انسانی جدید نیز خواهد بود.

از دیدگاه وی در دهکده‌ی کوچک جهانی هر اتفاقی که در یک نقطه می‌افتد قابل تسری و تعمیم به دیگر نقاط است چرا که فرآیند تبادل اطلاعات، علوم و اندیشه با سرعت غیر قابل تصویری در جریان است.

در کنار «دهکده‌ی جهانی» تعبیری همچون «جهانی سازی» و «جهانی شدن» نیز به گوش می‌خورند که تاریخ پیدایش نزدیک به هم دارند و از دهه‌ی ۱۹۶۰ رواج یافتند و بستر اولین فرهنگ معتبری بود که در ۱۹۶۱ میلادی تعاریفی برای این دو ذیل جهان‌گرایی (globalism) و جهانی‌سازی (globalization) ارائه کرد. (محمودی، ۱۳۹۲: ۱)

البته دو اصطلاح اخیر از مفاهیم حوزه‌ی علوم سیاسی - اقتصادی‌اند، اما در

1 - Literary cosmopolitanism

2 - global village

عرصه‌ی نظریه‌پردازی‌های ادبی نیز نامی مشابه پدیدار گشت که بی شک متأثر از شیوه‌های نوین ارتباط جوامع انسانی در حیطه‌ی «دهکده‌ی جهانی» است، نظریه‌ای موسوم به «جهان وطنی ادبی» (literary cosmopolitanism).

«جهان وطنی ادبی» را می‌توان نتیجه‌ی دو نظریه‌ی متقدم «ادبیات جهان» و «ادبیات تطبیقی» دانست، لذا پیش از ارائه‌ی تعریفی از جهان وطنی ادبی، لازم است به این دو مقوله نگاهی بیفکنیم.

#### ۴. ادبیات جهان (world Literatruue) ادبیات تطبیقی (comparative literatruue)

مشهور است که گوته (۱۸۳۲-۱۷۴۹) اولین متفکر و ادیبی است که اصطلاح ادبیات جهان را وضع کرد و دیدگاه فکر تازه‌ای در مطالعات ادبی گشود.

گوته به این باور رسیده بود که می‌توان از طریق ادبیات از مرزهای جغرافیایی و سیاسی گذشت و با روح فرهنگ سایر ملل جهان که در ادبیات تجلی می‌یابد، آشنا شد و آشنایی اولین گام برای رسیدن به تفاهم و دوستی است.

گرچه ادبیات در انسجام و وحدت بخشیدن به اجزای یک فرهنگ نقش برجسته‌ای دارد، اما گوته فراتر از مرزهای ملی و حتی فراتر از مرزهای کشورهای غربی می‌اندیشید. کشورهای غربی از دیرباز مشترکات فرهنگی بسیار داشتند از جمله فرهنگ لاتین و مسیحیت و همواره خود را در مرکز و بی‌نیاز از شناخت دیگری می‌پنداشتند لذا به فرهنگ و ادبیات بقیه دنیا بی‌اعتنا بودند. در این برهه تاریخی است که گوته ادبیات جهان را مطرح میکند به امید آنکه ارتباطی عمیق و پایدار و توأم با احترام متقابل میان جهانیان برقرار کند تا از این رهگذر به آرزوی دیرینه خویش، برقراری صلح و دوستی میان جهانیان نایل شود. (انوشیروانی، ۱۳۹۰: ۲۴)



بدون تردید ادبیات جهان مورد نظر گوته بدون ترجمه امکان بروز نمی‌یافت. برای گوته ادبیات پیوندی جهانی است و مترجمان حلقه‌های این پیوندند. اشتريش در کتاب «گوته و ادبیات جهان» (۱۹۴۹) به نکات چند درباره ترجمه اشاره می‌کند که دلمشغولی بسیاری از پژوهشگران تا به امروز بوده است بدون شک ترجمه هیچ اثر ادبی اصیل و ماندگاری قابل مقایسه با متن اصلی نیست و ویژگی‌های زبانی و فرهنگی متن اصلی چنین کاری را ناممکن می‌سازد و هیچ ترجیحی هر قدر هم که استادانه و با دقت ترجمه شود، جای اثر اصلی را نمی‌گیرد. البته ترجمه‌هایی هم داشته‌ایم که همسنگ یا حتی گرانسنگ‌تر از متن اصلی بوده‌اند، اما این دیگر ترجمه به معنای متداول آن نیست، این خلق اثری جدید است. «ادبیات جهان» به منزله بزرگرایی است که ادبیات ملل از طریق جاده‌های فرعی ترجمه به این بزرگراه فرهنگی می‌پیوندند.

با همین مناسبت، «ادبیات تطبیقی» مفهوم دیگری است که در کنار «ادبیات جهان» مطرح می‌شود. «ادبیات جهان» و «ادبیات تطبیقی» دو مضمون هم معنا نیستند. «ادبیات جهان» پیش نیاز است و مواد خام مورد نیاز پژوهشگر ادبیات تطبیقی را در اختیار وی می‌نهد تا آنها را بر اساس اصول نقد تنظیم و مرتب کند. (انوشیروانی، ۳۸: ۱۳۸۸) با این‌همه مرز دقیقی میان این دو نمی‌توان قائل شد. به عقیده فرانسوا یوست «ادبیات جهان» همان ادبیات تطبیقی است و بی‌دلیل نیست وقتی می‌بینیم موسسه ادبیات جهان ا. م. گورگی در مسکو در حقیقت موسسه‌ای برای مطالعات ادبیات تطبیقی است.

منشا «ادبیات تطبیقی» بر واقعیتی فرهنگی استوار است، شرایط ارتباط متقابل حقیقت‌گرایانه یا آرمان‌گرایانه، ادبیاتی را به ادبیاتی دیگر پیوند می‌زند. معمولاً از این





باید با دیده احترام و مدارا بدان نگریست. از سوی دیگر با نگاهی ژرف‌تر، نکته‌ای آشکار می‌شود که محل تامل است گوته می‌خواهد آلمانی بسازد که از نظر فرهنگی نمونه‌ای برای ملل دیگر باشد و خود می‌گوید: «چنین مقدر شده که آلمان نماینده تمام شهروندان جهان گردد.» (همان: ۲۹)

گوته از اروپا محوری و ملیت‌گرایی افراطی انتقاد می‌کند اما در غایت بدانجا می‌رسد که می‌گوید وظیفه خطیری بر دوش زبان و ادبیات آلمانی گذاشته شده است. بدین ترتیب گوته نقش ارزنده ادبیات آلمان در ادبیات جهان را ارج می‌نهد و به این نتیجه می‌رسد که کافی است ملل دیگر فقط آلمانی بیاموزند آنگاه از طریق ترجمه‌های دقیق آلمانی قادر خواهند بود که بر ادبیات سایر ملل اشراف پیدا کنند.

روشن است که علی‌رغم تلاش گوته برای یکپارچگی ادبیات جهان و همزیستی فرهنگی ملت‌ها و علیرغم کوشش‌ها در عرصه مطالعات تطبیقی آثار ادبی جهان این هر دو هنوز در چنبر تنگ اروپا محوری و خودشیفتگی غربی گرفتارند و سوالات جدی همچنان پیش روست که آیا ادبیات تطبیقی باید در چارچوب مرزهای ادبیات قدرت‌های استعمارگر محدود بماند؟ و اگر پژوهشی تطبیقی میان ادبیات شرق و غرب صورت گیرد آیا باید کفه ترازو به طرف غرب بچرخد و معیار ارزیابی اصولی باشد که غربیان تعریف کرده‌اند؟ مثلاً وقتی پژوهشگران غربی می‌خواهند از فردوسی یا سنایی به نیکی و بزرگی یاد کنند هنوز از القابی چون «فردوسی: هومر ایران» و یا «سنایی: دانته ایران» استفاده می‌کنند. (همان: ۳۱)

اینکه فرهنگ اروپا دربرگیرنده تمامی فرهنگ‌های مللی است که خودشان را در زبان‌های اروپایی به «منصه ظهور» رسانده‌اند کلیت لاینفکی است که از گذشته‌های دور نیز مورد تایید بوده است اما نقد غربی بدون هیچ دلیلی هنوز از پذیرش و ادغام

ادبیات‌های به اصطلاح قاره‌های اگزوتیک در پیکره ادبیات طفره می‌رود و دلیل آن چیزی جز جهل به تمدن و زبان‌های بیگانه نیست.

چین، ژاپن، هند، خاورمیانه، هند غربی و آفریقا می‌توانند همانند اروپا به فهم بهتر خلاقیت ادبی، تعریف ویژگی‌هایش و ساخت معیارهایی برای قضاوت ارزشی کمک کنند زیرا زمان هرمنوتیک ملی گذشته است، حتی در خاور دور. (همان: ۴۹)

فرهیختگان و اندیشمندان امروزی من جمله باسنت<sup>۱</sup>، دمراش، بابا<sup>۲</sup> و ادوار سعید چنین تفکری را بر نمی‌تابند و مرگ ادبیات تطبیقی خودشیفته اروپا محور را اعلام می‌دارند اما اعلان این مرگ نوید ظهور افق‌های تازه است.

دمراش هم از همین منظر به تطور «ادبیات جهان» می‌نگرد و می‌گوید بحث من این است که گسترش امروزه‌ی ادبیات به افق‌های جهانی و کیهانی به معنای مرگ رشته ما نیست بلکه تولد دیدگاه جدیدی است که اگر خوب بنگریم ریشه‌های آن در دوران اولیه شکل‌گیری ادبیات تطبیقی است. (همان: ۳۲)

حق این است که شناخت دقیق و جامع هر اندیشه‌ای همواره ما را به سراغ ریشه‌های آن می‌برد. اندیشه‌ای رشد خواهد کرد که بتواند در طول تاریخ همچون بذری مستعد با محیط‌های تاریخی و فرهنگی متفاوت سازگار باشد و در عین حفظ اصالت خود به هنگام رویارویی با آراء جدید از خود نرمش نشان داده و از «باز-مفهوم‌سازی» نهراسد. شاید بتوان ادعا کرد که ضعف پیش روی «ادبیات جهان» و «ادبیات تطبیقی» به طور طبیعی راه را برای رشد مفهوم «جهان وطنی ادبی» بیشتر هموار کرد، چرا که به تعبیر دومینگز<sup>۳</sup> مفهوم کلیدی در شجره نامه ادبیات تطبیقی «کاسما پولیتانیسم» است. (دومینگز، ۲۰۱۲: ۲۴۴)

1 - Susan Bassnett

2 - Homi Bhabha

3 - Dominguez

## ۵. جهان وطنی ادبی چیست؟

جهان وطنی ادبی به وسیله دو شاعر نویسنده فرانسوی والری لاربو و پل موران پایه گذاری شد، «مکتب جهان وطنی» مبتنی بر این اصل است که همه مردم جهان باید یکدیگر را هموطن هم و تمام دنیا را وطن خود بدانند. آنان هدفشان رسیدن به فرهنگ و ادبیاتی جهانی به دور از هر گونه وابستگی ملی و تفاوت‌های نژادی و فرهنگی است پیروان این مکتب بدنبال همبستگی و اتحاد ملت‌ها با یکدیگرند و عقیده دارند این وحدت- اگر واقعیت سیاسی نیست- باید در زمینه فرهنگ و ادبیات بوجود آید. بنیانگذاران این مکتب ادبی علیه تفکرات و احساسات میهن پرستانه برخی نویسندگان نیمه دوم قرن هجدهم برخاسته بودند. این میهن پرستان افراطی هر نویسنده و شاعر را متعلق به میهن، ملت و ادبیات خویش می‌دانستند در حالی که از دیدگاه پیروان جهان وطنی شاعر و نویسنده باید با محدوده فرهنگ، تمدن و ادبیات خارجی آشنا و آن را حس و درک کند. (قهرمانی، ۱۳۹۲)

لازم به ذکر است که این پدیده در ترمینولوژی سیاسی به عنوان «هویت فراملی (transnational identity) و نتیجه طبیعی عصر جهانی شدن (globalization) است و در حوزه جامعه شناسی با عنوان جهان وطنی فرهنگی (cultural cosmopolitanism) مطرح است و یکی از تئوریسین‌های معروف آن اولف هانرز<sup>۱</sup> است.

## ۶. شاهنامه و جهان وطنی ادبی

نیچه در فصل سعادت دوران در کتاب «انسان، خیلی زیاد انسان»، افق روشنفکرانه جدیدی برای انسان کنونی می‌گشاید انسان نه تنها می‌تواند از تمامی فرهنگ‌های



جهانی [که امروزه تحقق عینی آن را شاهدیم] دیگر جهان بسته خود را در مرکز دیدن و نفی کردن جهان دیگران نه فقط با هم سازگار نیست بلکه یکدیگر را نفی می‌کنند و چاره کار گذاشتن از مرز خود و وارد شدن به جهان «همه شمول» است زیرا دیگر نه در جغرافیای سیاسی، مرزها معنای گذشته خود را دارند نه در گونه‌های مختلف ادبی. به تعبیر دیگر راه حل در گذار از جهان جغرافیایی به جهان معنوی (Ideal) و جهان ارزش‌های استوار و ماندگار است. (شریفی، ۱۳۹۱)

فردوسی در شمار سرایندگانی است که با بنیاد شاهنامه بر ارزش‌های انسانی، این کتاب بی بدیل را نسخه‌ای قابل استفاده برای تمام مردم و تمام اعصار ساخته است. در بخش دوم به بررسی ویژگی‌های جهان وطنانه شاهنامه خواهیم پرداخت.

### ۷- ویژگی‌های سازگاری شاهنامه با جهان وطنی ادبی

دمراش در تبیین نظریه ادبیات جهان می‌گوید ادبیات جهان در برگیرنده آن آثار ادبی است که در فراسوی خاستگاه فرهنگی خود چه به صورت ترجمه و چه به زبان اصلی سیر و گردش می‌کنند (برای مدت‌های مدید ویرژیل در اروپا به زبان لاتین خوانده می‌شد)؛ ادبیات جهان، در جامع‌ترین مفهوم خود می‌تواند شامل هر اثری باشد که از منزلگاه اصلی خود فراتر رفته و همیشه و همه جا فعالانه در نظامی ادبی در فراسوی فرهنگ مبدا خود حضور داشته باشد.

«اثری می‌تواند به ادبیات جهان پیوندد که ویژگی‌های «ادبیات» و «جهان» هر دو در آن لحاظ شده باشد. اثر ادبی از طریق فرایندی دوگانه وارد حیطه ادبیات جهان می‌شود. اول اینکه آن را به مثابه ادبیات پذیرفته و خوانده باشند، دوم آنکه اثر از جایگاه اصیل و فرهنگی و زبانشناختی خود عزیمت کند و در ساحتی وسیعتر سیر

کند. « (انوشیروانی، ۳۸: ۱۳۹۰)

وقتی اثری وارد حیطه ادبیات جهان می‌شود فارغ از آنکه ناگزیر اصالت یا جوهره خود را از دست می‌دهد، از راه‌های مختلف بر غنای خود می‌افزاید. هزار و یک شب از جمله آثار است که به ادبیات جهان پیوسته و در ادبیات جهان زندگی دوباره‌ای یافته است. این داستان‌ها که اصل آنها به دست نیامده ابتدا به زبان عربی ترجمه شد- از آنجاست که غربی‌ها آن را شب‌های عربی نامیدند- سپس برای اولین بار آنتوان گالان آن را به فرانسوی ترجمه کرد. هزار و یک شب در سیر و گردش خود میان سایر ملل و زبان‌ها تغییر و تحولات بسیار دید، داستان‌هایی به آن افزوده و داستان‌هایی از آن حذف شد. ترجمه‌هایی اروپایی هزار و یک شب تقریباً تمام داستان‌های بومی و تاریخی آن مانند داستان «جعفر و سقوط برمکیان» را نادیده می‌گیرند و بیشتر ترجیح می‌دهند که به حکایت‌های جهان شمول آن مانند حکایت‌های سندباد و علاء الدین پردازند. بدین ترتیب هزار و یک‌شب که در زبان عربی آن را نیمه ادبیات به حساب می‌آوردند در ترجمه به زبان‌های اروپایی و سیر خود در جهان تبدیل به یک شاهکار ادبی جهانی شد و در قرن بیستم تحت تاثیر پذیرش این اثر در غرب، نویسندگان عرب زبانی همچون نجیب محفوظ و آسیه جبار بدان روی آورده و فعالانه از آن در آثار خود الهام گرفتند. (همان: ۴۰)

بدین منوال آثار اندک شماری جایگاه سریع و همیشگی در معیت شاهکارهای ماندگار جهان پیدا می‌کنند، اما اکثر آثار در طول زمان تغییر جای می‌دهند و حتی ممکن است در زمره شاهکارهای ادبی درآیند و بیرون روند.

شاهنامه فردوسی به عنوان فخیم‌ترین اثر حماسی فارسی کارکرد یا رسالت مهم خویش را در تثبیت منش و اصالت ملی- میهنی ایرانی طی قرن‌ها و دوران‌ها به انجام

رسانده است و به شهادت پژوهش‌ها و آثار بسیاری که در ایران و دیگر کشورها در باب «شاهنامه‌شناسی» نگاشته شده، این اثر سترگ ماندگاری خود به عنوان «اسطوره متن» ایرانی را مسلم ساخته است.

فردوسی با نجابت اخلاقی خاص خود توانسته از یک سو نخوت ملی را کاسته و حتی در بسیار جاها نسبت به بیگانگان انصاف به خرج دهد و تبلیغ بیگانه‌نوازی<sup>۱</sup> کند. اما از سوی دیگر به ایران و ایران‌گرایی معنویت عمیقی دهد که شرح و بسط آن به معنی بازشکافی تار و پود شاهنامه است کاری که از ذکر این مثال و آن مثال بیرون است و از موضوع این گفتار نیز. (برای اطلاع رک: خالقی مطلق، ۱۹۱: ۱۳۸۱) در بخش پایانی با پرهیز از تطویل کلام، تنها به برخی از ویژگی‌های شاهنامه به عنوان نسخه‌ای مناسب و تمام‌عیار در حوزه‌ی جهان‌وطنی ادبی می‌پردازیم.

### اسطوره متنی:

جاری و ساری شدن در دو محور در زمانی و همزمانی است که موجب می‌شود متنی را بتوان «اسطوره متن» نامید. ویژگی‌های اسطوره حرکت آشکار و پنهان در طول زمان و مکان و تبدیل شدن آن به یک الگو برای تکرار و تکثیر است. یک اسطوره متن، همانند خود اسطوره با الگوشدگی متولد می‌شود با تکرار پذیری زندگی می‌کند و دامنه قدرت آن با توجه به میزان تکرارش کم یا زیاد می‌شود و در صورت تکثیر نشدن می‌میرد. اسطوره متن‌ها موجب تداوم عناصر فرهنگی یک جامعه در طول تاریخ می‌شوند و این عناصر را با گسترش خود از نسلی به نسلی دیگر و از عصری به عصر دیگر

---

۱ - این مفهوم شاهنامه بسیار نزدیک به مفهوم کانتی مهمان‌نوازی است. کانت قانون جهان‌وطنی را بدون محدودیت به گستره‌ی مهمان‌نوازی جهانی بسط می‌دهد، زیرا شرط صلح پایدار بین تمام انسان‌ها این است. او به روشنی این قانون را به عنوان حق طبیعی مطرح می‌کند. (دریدا، ۱۳۸۷: ۷۷)







مفاهیم این حماسه با الگوهای مناسب ادبیات نوین جهان وطنانه است. (برای اطلاع رک: خالقی مطلق، ۱۳۸۱: ۴۰۷)

### خردگرایی:

خرد در شاهنامه خردی برتر و کیهانی است که از رنگ‌های فرقه‌ای و گروهی فراتر می‌رود. خرد در شاهنامه نیروی است که موجودات را در تمیز و تشخیص نیک و بد راهنمایی می‌کند و سرنوشت انسان در گستره هستی به او سپرده می‌شود. خرد فراگیر شاهنامه جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد و انواع خرد سیاسی، دینی، اخلاقی، اقتصادی، علمی... انسان را در خود جای می‌دهد. (موسوی و خسروی، ۲۰۴: ۱۳۸۹)

از جلوه‌های خرد محوری در شاهنامه می‌توان اشاره کرد به: آزمون‌هایی که شخصیت‌های مهم همچون پهلوانان و شاهزادگان سپری می‌کنند تا به مدارج و مراتب لازم نایل آیند؛ کيقباد ژرف‌ساختی خردگرایانه دارد؛ کیخسرو شهریاری آمیخته از خرد و اسطوره است؛ جام اسطوره‌ای جمشید نماد دانایی و همه آگاهی و نشانه کمال خرد است. (همان: ۱۰۰-۹۶)

### دیدگاه کلان فراجهانی (کیهانی)

سرنوشت قهرمانان در حماسه یک عدالت بزرگ تلقی می‌شود که افراد در پیشگاه آن نه به عنوان یک شخص بلکه به عنوان «یک موقعیت کلان، کلی و عام» به داوری خوانده می‌شوند. (مختاری، ۸۳: ۱۳۶۸)

در داستان رستم و سهراب که داستان تسلیم‌پذیری قدیم ایرانی در برابر سرنوشت

ازلی است، تقدیر عمومی آدمیانی رقم می‌خورد که از آن گریزی نمی‌شناسند. تقدیر در بینش شاهنامه یک مساله شخصی نیست، بلکه مساله‌ایست کیهانی و به همین سبب نخست تقدیر فرد را در «زمان» او و نحوه سر آمدن آن در رویدادهای انسانی می‌جوید، آنگاه تقدیر کل زندگی زمینی بدان می‌پیوندد و سرانجام، کل تقدیر بزرگ عالم را در آینه آن می‌بیند.

به عبارت اولی موضوع حماسی رستم و سهراب، موضوعی «جهانی» است که هر فرهنگی به اقتضای شرایط ذهنی و خصایص کلی موقعیت خویش ساخت ویژه‌ای برای آن آفریده است. (همان: ۲۰۳)

### نمادپردازی:

نمادهایی که فردوسی در جای جای شاهنامه به خدمت گرفته نیز همسو با آرمان‌های بشر و الگوی مناسبی برای بازخوانی آن در حیطه جهان وطنی ادبی است. از چهره‌های نمادین شاهنامه «پهلوانان» هستند که در نگاه نخست نمادی از حس ریشه دار برتری جویی قومی و روحیه جمعی - ملی یک قوم علیه بیگانه‌اند، اما در لایه‌های ژرف‌تر تلاش پایان ناپذیر نوع انسان برای غلبه بر منابع طبیعی، انسانی و فرا طبیعی و رسیدن به پیروزی و جاودانگی‌اند.

پرداخت‌های نمادین شخصیت‌های فانتزی در حوزه داستان و فیلم و... مانند هری پاتر، ارباب حلقه‌ها، آواتار همه تأکیدی بر نیاز بشر دهکده جهانی - هزاره سومی به این الگوهاست که در شاهنامه نیز نمونه‌هایی از این دست به اعلا درجه هنرمندی، ساخته و پرداخته شده‌اند.

زال سپید موی نمایه‌ای از الوهیت و تقدس خرد در حکمت ایران باستان است و

در نگاهی فراتر و جهانی تجسم عقل و خرد در چهره پیری، بن مایه‌ای جهانی است که در روانشناسی تحلیلی آن را به «کهن الگوی پیر خردمند» یاد می‌کنند. عمده تجلیات نمادهای طبیعی در شاهنامه نیز متوجه عناصر چهارگانه بخصوص دو عنصر آب و آتش است. آب نماد حیات و مقدم بر هر چیز و اصل همه نیکی‌ها و آتش نماد شکوه لاهوتی پالایش و تطهیر است. گیاهان و رستنی‌ها نمادی هستند که مجلای واقعیت زندگانی‌اند که هر از چند گاه تجدید می‌شوند و از دیدگاه روانشناسی یونگ سمبل رشد و زندگی روانی‌اند به خلاف حیوانات که با زندگی غریزی ارتباط دارند. (نامور مطلق، ۹۳: ۱۳۸۷)

نسخه‌های متعدد بازنویسی و بازسازی شده داستان و فیلم از «آواتار» نخستین آب افزار و دیگر نمادهای یاد شده نشان از فعالیت زنده و مستمر این نمادها در زندگی حال حاضر بشر جهان وطن است که فردوسی به چیره دستی آنها را در شاهنامه به خدمت گرفته است.

دیدگاه حکمی اخلاقی (ادب اندرزی)

زبان را مگردان به گیرد دروغ چو خواهی که تخت از تو گیرد فروغ  
(مول، ۶۸۷: ۱۳۸۳)

تو دانی که دیدن به از آگهیست میان شنیدن همیشه تهیست  
(همان: ۸۶)

به هر کار در پیشه کن راستی چو خواهی که نگزایدت کاستی  
(همان: ۱۲۷)

اگر کاهلی پیشه گیرد دلیر نگردد از آسودن و گاه سیر  
(همان: ۸۹)

درشتی ز کس نشنود نرم گوی سخن تا توانی به آزم گوی  
(همان: ۱۳۸)

بی‌تردید شاهنامه علاوه بر آن که اثر ادبی کم نظیر است، گرانبار از حکمت و اخلاق است. تقریباً هیچیک از داستان‌های شاهنامه خالی از اندرز نیست حتی اگر درونمایه داستان جنبه اخلاقی نداشته باشد، در خلال آن فردوسی یا قهرمانان اثر پیام‌های اخلاقی را بازگو کرده‌اند؛ بدین سان کلیت شاهنامه در ستایش خیر و نیکی و نکوهش شر و ملامت از حکمت و اندرزهای زندگی ساز است. (سرامی، ۱۳۶۸: ۹۲؛ همان: ۶۰۱ به بعد؛ علوی مقدم، ۱۳۸۱) و نسخه‌هایی بسیار از این دست که انسان جهان وطن برای گذار از کشاکش‌های زندگی مدرن بیش از پیش بدانها نیازمند است.

### فانتزی پردازی:

فانتزی پردازی یکی از وجوه برجسته «شاهنامه» فردوسی است که به زعم نگارنده برای طرح در حوزه جهان وطنی ادبی در کنار وجه اندرزی اثر، بسیار جذاب، حائز اهمیت و قابل بسط، بازخوانی و پردازش نو است.

گوهر فانتزی<sup>۱</sup> تخیل است، تخیل فانتاستیک از آن گونه تخیل است که از مرزهای واقعیت فراتر می‌رود و یا به صورت خاص ابعاد و اشکال واقعیت را در جهت نیازها و خواسته‌های خود دگرگون می‌کند این دگرگونی ناشی از پیوندی است که انسان بین زمان حال با گذشته و آینده برقرار می‌کند و در واقع انسان در بستری از زمان مرکب

یا سه جزئی زندگی می‌کند. (محمدی، ۱۳۷۸: ۳)

فانتزی‌ها همچون افسانه‌های کهن، درونی‌ترین تجربه‌های انسانی را در قالبی نمادین و منسجم در کنش‌ها و شخصیت‌های شگفت به نمایش می‌گذارند. فانتزی صدای آرزوهای نهان انسانی است که در شکل واقع‌گرایانه به بیان نمی‌آید. فانتزی در پیوندی عمیق با توتمیسم، اسطوره‌ها و کهن‌الگوهاست. (همان: ۶۰)

دو عنصر اساسی فانتزی که بیشترین بار را در ادبیات فانتاستیک دارد، «جادو» و «غیرممکن» یا غیرقابل توضیح است. در فرهنگ اصطلاحات ادبی فانتزی در بر گیرنده کنش‌ها، شخصیت‌ها، فضا سازی و پدیده‌هایی است که در شرایط معمولی و یا در جریان عادی رخ داده‌های انسانی غیر ممکن نامیده می‌شوند. (همان: ۱۲۳-۱۲۲)

شاهنامه فردوسی اثری است که حائز شرایط و ویژگی‌های یک اثر فانتزی در چار چوب نظری تبیین شده برای این گونه ادبی و نیز کارکردهای آن می‌باشد با این یاد آوری که گونه فانتزی عمری کمتر از دو دهه در حوزه ادبیات جهان دارد.

نمونه‌های بسیار متعالی از انواع «فانتزی جستجو»، «فانتزی‌های قهرمانی - حماسی»، «فانتزی‌های تاریخی - اسطوره‌ای» و... در شاهنامه به زیبایی موجود است که از حوصله این مقال بیرون است. (رک همان: ۱۸۴-۱۶۸)

موج علاقه به داستان‌های فانتزی با ترجمه و چاپ داستان‌های هری پاتر در ایران آغاز شد. پیش از آن، ترجمه آثار ایزاک آسیموف و ری بردری تعداد اندکی از جامعه جوان کتابخوان را با آثار فانتزی دنیا آشنا کرده بود، اما موجی که هری پاتر در ایران و جهان به راه انداخت گونه دیگری بود.

تقریباً همزمان با چاپ هری پاتر، «ارباب حلقه‌ها»ی تالکین هم وارد بازار کتاب شد و مخاطبان خود را داشت، اما این روزها حاکم دنیای فانتزی نه ارباب حلقه و

نه هری پاتر، بلکه سریال «بازی تاج و تخت»<sup>۱</sup> است و کتاب‌های نویسنده نوظهور آمریکایی جرج مارتین او را به چهره جدید و حاکم بلامنازع دنیای فانتزی و تخیل تبدیل کرده است.

اما ظرفیت ادبیات فانتزی ایران چقدر است؟ نگاهی به عقب، به یادمان خواهد آورد که ادبیات کهن ایران گنجینه عظیمی از آثار تخیلی و فانتزی دارد که قدمت برخی به دوران پیش از اسلام می‌رسد. از این میان می‌توان ارداویرافنامه - که منبع الهام کم‌دی الهی دانته بود - زند و همن یسن از زبان زرتشت، منظومه بهرام ورجاوند، یادگار جاماسب و جاماسب نامه (به زبان پهلوی) و بالاخره شاهنامه را نام برد.

جرج مارتین برای خلق اثر خود داستان‌های افسانه‌ای و جادویی کهن اروپا را دستمایه قرار داده اما در عین حال مردمان شهرهای آزاد در داستان او شبیه اقوام کارتاژی و فنیقی و حتی بندرهای مسلمان نشین در دریای مدیترانه است، از سویی اقوام دوتراکی داستان‌ش شبیه سرخپوستان و یادآور اقوام نابود شده مایا و آزتک است. حتی آیین‌های خدای روشنایی که برایتون از آن پیروی می‌کند شباهت فراوانی به آیین مهر پرستی دارد که بدلیل نفوذش در قرون اولیه به اروپا به آثار مارتین هم راه یافته است.

حضور همه این عناصر در حماسه نیمه تمام مارتین [که قسمت به قسمت در حال چاپ است] نشان از تسلط او بر تاریخ ادیان و افسانه‌های قدیم دنیاست که با استعداد خارق العاده خود هوشمندانه آنها را تلفیق نموده و همه مخاطبان ادبیات فانتزی نوین را در سراسر دنیا از جمله ایران جذب کرده است. (مدیری، ۱۳۹۳)

نویسندگان بزرگ فانتزی نویس و فانتزی شناسان معتقدند هر چه انسان به سوی



عقلی شدن و جامعه‌ای که بر محور عقلانیت استوار است پیش می‌رود، ضرورت وجود فانتزی بیشتر احساس می‌شود؛ فانتزیی که فرار از واقعیت نیست بلکه رفتن به درون واقعیتی است که ظاهراً دیده نمی‌شود اما با تمام علائم ذهن ما را به خود دعوت می‌کند. (صدیقی، ۱۳۸۶: ۶۱)

فردوسی قرن‌ها پیش با اشراف به عناصر فانتزی، آن را به زیبایی هر چه تمام‌تر در شاهنامه خویش به کار بسته است. داستان‌هایی چون هفت خوان‌ها، روئین تنی، زال و سیمرغ (فردوسی، ۱۳۸۲: ۶۷)، داستان اکوان دیو (همان: ۴۴۸)، هنوز توانایی ارائه به شکلی نوین و متناسب ذائقه مخاطبان امروز را دارا است.

#### نتیجه

ادبیات جهان امروز متأثر از آهنگ سریع رشد فناوری‌های ارتباطی و تحقق دهکده کوچک جهانی مک لوهان، بیش از هر زمان دیگری به وحدت و همبستگی روح بشریت و سریان آن در ادبیات متکی است و هر اثری که بتواند فراتر از رنگ و بوی قومی نژادی، برتری‌های زبانی، یکسویه نگری‌ها و خودشیفتگی‌ها، در عرصه جهان وطنی ادبی مخاطبان را به خویش فراخواند بی شک در مجموعه میراث مشترک بشر، اثری جاودانه خواهد بود.

شاهنامه بیش از آنچه در این مختصر بدان اشارت رفت، حائز ویژگی‌های متعالی همخوان با معیارهای ادبیات روز دنیا و جهان وطنی ادبی است و مهمی که بر عهده بخشی از ساکنین دهکده جهانی یعنی ایرانیان شاهنامه دوست اهل قلم است، نمایاندن هر چه بهتر و وسیع‌تر این اثر به مخاطبان امروزین است.

### منابع

۱. انوشیروانی، علیرضا، (۱۳۹۰) «ادبیات جهان: از اندیشه تا نظریه»، فصلنامه ادبیات تطبیقی، سال ۲ (پیاپی ۳)، بهار، ۲۳-۴۱.
۲. تبریزی‌نیا، مجتبی و کشانی، لیلا، (۱۳۸۹)، «درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادب»، کتاب ماه ادبیات، ش ۴۳ (پیاپی ۱۵۷)، آبان، ۳۵-۴۱.
۳. خالقی مطلق، جلال، (۱۳۸۱)، «سخن‌های دیرینه»، به کوشش علی دهباشی، چ ۱، تهران: افکار.
۴. دریدا، ژاک، (۱۳۸۷)، «جهان‌وطنی و بخشایش»، ترجمه امیر هوشنگ افتخاری‌راد، تهران: گام نو.
۵. رحمان‌زاده، مهدی، «دهکده جهانی (global village)»، قابل دسترس در:  
www.pajooh.com
۶. سرامی، قدمعلی، (۱۳۶۸)، «از رنگ گل تا رنج خار»، چ ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. شریفی، مهدی، (۱۳۹۱)، ۲۱ دی، «نشانه‌ها و جهان‌وطنی در شعر جواد نوروزی»، قابل دسترس در:  
www.mehdisharifi.com
۸. صدیقی، علی اصغر، (۱۳۸۵)، «فانتزی در شاهنامه»، تهران: ترفند.
۹. علوی مقدم، محمد، (۱۳۷۱)، «اخلاق در شاهنامه»، کیهان اندیشه، ش ۴۱.
۱۰. فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، «شاهنامه (بر اساس نسخه چاپ مسکو)»، چ ۳، تهران: پیمان.
۱۱. قهرمانی، رضا، (۱۳۹۲)، ۹ اسفند، «مکتب‌های ادبی جهان»، قابل دسترس در:  
www.vestanews.ir
۱۲. محمدی، محمد، (۱۳۷۸)، «فانتزی در ادبیات کودکان»، تهران: روزگار.
۱۳. مختاری، محمد، (۱۳۶۸)، «حماسه در رمز و راز ملی»، چ ۱، تهران: قطره.



### منابع انگلیسی

1. Dominguez, Cezar, (2012), "World Literature and Cosmopolitanism", The Routledge Companion to world literature, (2012): 242-52, [accessed in <http://www.academia.edu/>]
2. Internet Encyclopedia of philosophy, [accessed in [www.iep.utm.edu/](http://www.iep.utm.edu/)]

